

نقد و بررسی مفهوم شهید و شهادت در اسلام از دیدگاه اتان کلبرگ

سکینه رزاقی‌زاده^۱، محمدرضا آرام^۲، مهدی ایزدی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱)

چکیده

جایگاه ویژه شهادت و شهادت‌طلبی در اسلام توجه مستشرقان را به خود جلب نموده و در این میان، اتان کلبرگ نیز یکی از اسلام‌شناسانی است که به موضوع شهادت در پژوهش‌های خود پرداخته است؛ او اعتقاد دارد مفاهیم شهید و شهداء قبل از اسلام وجود داشته و شهادتی که در قرآن ذکر شده همان مبارزه در راه خدا می‌باشد که از دین مسیح اقتباس گردیده است. کلبرگ با استناد به جنگ‌های مسلمانان در حیات پیامبر اکرم ﷺ و پس از رحلت ایشان به این نتیجه می‌رسد که شهادت در اسلام با مفهوم قرآنی آن متفاوت بوده و نوعی خودکشی محسوب می‌شود، همچنین او معتقد است که حکم منع خودکشی در قرآن به صراحت بیان نشده است؛ لذا با استناد از کتب تاریخی، به این نتیجه می‌رسد که اسلام در مواقعی خاص خودکشی را جایز می‌داند. کلبرگ با ارائه مستندات از منابع و آثار مکتوب مسلمانان متقدم بر این باور است که فقیهان هیچ محدودیتی جهت دستیابی به شهادت قائل نیستند؛ و عملیات انتحاری امروزی نیز به استناد کتب معاصران، برگرفته از گذشته است. در این پژوهش با معرفی شهادت و خودکشی در اسلام و بررسی مستندات کلبرگ، عدم صحت اقوال کلبرگ اثبات می‌شود.

کلید واژه‌ها: شهادت، خودکشی، انتحار، اتان کلبرگ، اسلام.

۱. دانش آموخته دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ sakinehrazaghizadeh@gmail.com
۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ moh.aram@iauctb.ac.ir
۳. استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران؛ m.izadi@isu.ac.ir

بیان مسئله

موضوع شهادت از مهمترین مباحث در اسلام می‌باشد که جایگاه ویژه‌ای میان مسلمانان دارد، بر اساس منابع اسلامی شهید زنده است^۱ (آل‌عمران، ۱۶۹) و با جاری شدن اولین قطره از خون شهید، بجز دین، تمامی گناهان او بخشیده می‌شود. (عاملی، ۳۲۷) شهید (جمع آن شهداء) به معنای کشته شده در راه خدا می‌باشد. همچنین شهید کسی است که زنده است یعنی او در نزد خداوند زنده است. (ابن‌منظور، ۲۴۲/۳) در تعریف شهادت گفته شده است: «انسان با توجه به خطرات ظنی یا یقینی، فقط به جهت هدف مقدس و انسانی که به تعبیر قرآن «فی سبیل‌الله» است، آگاهانه به استقبال آن بشتابد». (مطهری، ۷۱)

اتان کلبرگ مستشرق شیعه شناسی است که در حوزه شهادت مسلمانان و ارتباط آن با خودکشی دیدگاه‌هایی ارائه نموده و بر این باور است که ریشه شهداء در مفهوم شهیدان به قبل از اسلام باز می‌گردد و شهادتی که قرآن درباره آنان سخن به میان می‌آورد، مبارزاتی در راه خدا هستند که برگرفته از دین مسیحیت می‌باشد و مبارزات مسلمانان در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ و بعد از رحلت ایشان که در قالب روایات تاریخی آمده، از مفهوم قرآن آن پیروی نمی‌کند. کلبرگ با ذکر رویدادهایی تأمل‌برانگیز از مبارزات مسلمانان صدر اسلام درباره شهادت طلبی مسلمانان می‌نویسد که شهادت‌طلبی در اسلام یعنی رهایی از زندگی دنیوی و جستجوی فرصتی برای رسیدن به مرگ است. در جای دیگر، کلبرگ شهادت مسلمانان را نوعی خودکشی می‌داند و مدعی است که خودکشی در مواقع خاص برای مسلمانان جایز می‌باشد، زیرا حکم منع خودکشی در قرآن مبهم است لذا با استناد به برخی از روایات تاریخی، خودکشی در اسلام جایز است. کلبرگ در مورد عملیات انتحاری می‌گوید مسلمانان صدر اسلام، اگر مواد منفجره و بمب‌ها و سلاح امروزی را در اختیار داشتند، به همان شیوه مبارزان امروزی عمل می‌نمودند. او در پایان،

۱. وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ (آل‌عمران، ۱۶۹)

حاصل سخن خود را چنین بیان می‌کند که امروزه اندیشه‌های مدرن درباره شهادت از گذشته الهام و نشأت گرفته‌اند. (منبع ادامه مقاله)

در صورتی که خودکشی یعنی نابود کردن آگاهانه خویش برای رهایی از وضعیت غیر قابل تحمل است (عسگری، ۱۰۹) و قرآن بشدت از آن نهی می‌کند (النساء، ۲۹). با توجه به دیدگاه‌های کلبرگ آیا هدف مبارزه و شهادت‌طلبی در اسلام، تنها رسیدن به مرگ و پایان دادن به زندگی خود است؟ و شهادت در اسلام از انواع خودکشی به حساب می‌آید؟ در چه شرایطی خودکشی در اسلام جایز می‌باشد؟ اگر مسلمانان صدر اسلام، مواد منفجره و بمبهای امروزی را در اختیار داشتند، پیامبر اکرم ﷺ مسلمانان را به انجام عملیات انتحاری تشویق می‌نمود؟

در این تحقیق به تحلیل دیدگاه‌های اتان کلبرگ و بررسی منابع و مصادر مورد استناد او در مسئله شهادت خواهیم پرداخت و با مقایسه این منابع با دیگر متون اسلامی در پرتو پژوهشی شایسته، آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم تا در نهایت به عدم صحت دیدگاه‌های اتان کلبرگ در موضوع شهادت برسیم.

مقدمه

خاورشناسان موضوع شهادت و شهادت‌طلبی را مورد پژوهش، تحلیل و بررسی جدی قرار داده‌اند و دیدگاه‌های متفاوتی را درباره این موضوع مطرح نموده‌اند. اتان کلبرگ مستشرق شیعه‌شناس، چندین مقاله با موضوع شهادت در اسلام تألیف نموده که در این تحقیق به تحلیل و بررسی دیدگاه‌های او در مقاله «دیدگاه مسلمانان قرون وسطی در مورد شهادت»^۱ که درباره شهادت مسلمانان نوشته است، می‌پردازیم. اتان کلبرگ در مقاله مذکور درباره شهادت در اسلام و ارتباط آن با خودکشی، دیدگاه‌های قابل تأملی ارائه داده است. در این پژوهش به تحلیل و بررسی آراء اتان کلبرگ در خصوص شهادت می‌پردازیم. با

1. Medieval Muslim Views on Martyrdom

توجه به اینکه وی آثار زیادی را در حوزه تشیع و اسلام تألیف نموده است، تنها تعداد اندکی از این آثار مورد نقد قرار گرفته است. مسئله شهادت از موضوعات مهم اسلام است که چندین اثر پژوهشی از کلببرگ به این موضوع اختصاص دارد. علی‌رغم اینکه اندیشمندان اسلامی در طول زمان‌ها برای دفاع از تشیع سعی و تلاش خود را نمودند؛ اما در پاسخ به شبهات و جریانات فکری که علیه مسئله شهادت مطرح شده است، تألیفات مورد ملاحظه‌ای در مقام پاسخ به آن به چشم نمی‌خورد.

تنها اثری که در این حوزه می‌توان معرفی کرد، مقاله «تحلیل انتقادی نظرات اتان کلببرگ در موضوع جهاد از دیدگاه امامیه» توسط آقایان محمود کریمی و سید سجّاد طباطبائی‌نژاد تألیف گردیده و مورد نقد قرار گرفته است. دایره موضوع در آن مقاله، حول محور مفهوم جهاد است؛ اما در این مقاله مفهوم شهید و شهادت در اسلام از نظر اتان کلببرگ مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

شهادت در اسلام

شهادت، راه رسیدن به سعادت حقیقی و جاودانگی در بهشت می‌باشد و مؤمنی که طالب کمال باشد باید شهادت طلب باشد زیرا شهادت راه رسیدن به درجات مطلوب است، حقیقت آنچه که گفته شد، طبق فرموده خداوند متعال در قرآن کریم است، آنجا که می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ، فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۶۹-۱۷۱)^۱

شهید کسی است که در راه خدا کشته شود (ابن‌منظور، ۲۴۲/۳) و کفار در جنگ او را

۱. هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. آنان به خاطر نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحاند و به آن مؤمنانی که هنوز به آنها نپیوسته‌اند، مژده می‌دهند که نه ترسی بر آنهاست و نه غمی خواهند داشت و آنها را به نعمت و فضل خدا بشارت دهند و اینکه خداوند اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نگرداند.

کشته باشند. (فیومی، ۱۲۴) تشهّد یعنی طلب شهادت کرد؛ (حسینی زبیدی، ۵/۵۰) و نیز گفته شده شهید، محتضر است و به این دلیل اینگونه نامگذاری شده زیرا فرشتگان رحمت در کنار او حاضر هستند. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ». (فصلت، ۳۰) یا به دلیل اینکه شهداء به آنچه خداوند از نعمت‌ها به آنان مهیا فرموده شاهد هستند، یا به دلیل اینکه ارواح آنان در نزد خداوند حاضر و شاهد می‌باشند. (آل عمران، ۱۶۹-۱۷۱) «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصّٰدِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ» (الحدید، ۱۹؛ راغب، ۴۶۸؛ طریحی، ۸۱/۳).

شهادت طلبی در قرآن

مفهوم شهید در قرآن به معنی شاهد و گواه آمده است (البقره، ۲۸۲) و در برخی موارد به معنی حجت و راهنما بیان گردیده است (الحج، ۷۸)؛ اما اینکه مفهوم شهید به معنای «کشته شده فی سبیل الله» باشد، در قرآن بیان نشده است؛ لذا در بررسی شهادت طلبی در قرآن، ناگزیر به آیات جهاد مراجعه می‌شود. در قرآن آیات زیادی به مسئله جهاد اشاره دارد، هرچا در قرآن از جهاد یاد شده، مسئله دفاع به چشم می‌خورد. مطلبی که باید به آن اشاره کرد این است که جنگهای رسول اکرم انجام داده‌اند، هیچ کدام برای گسترش حکومت اسلامی نبوده و همه آنها برای دفاع از اسلام صورت گرفته است. (طباطبایی، ۱۶۴/۴)

در بیشتر آیات قرآن که لفظ جهاد بکار برده شده، عبارت «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» به چشم می‌خورد؛ زیرا جهاد عبادت است و هر عبادتی که قصد قربت در آن نباشد، مورد پذیرش خداوند قرار نمی‌گیرد، در نتیجه جهاد باید فی سبیل الله باشد تا مقبول خداوند متعال گردد. (مغنیه، ۹/۳)

خداوند در قرآن درباره اهمیت موضوع جهاد در آیه ۹۵ سوره نساء می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ

الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا».

در آیه فوق خداوند کسانی که از جهاد کردن در راه او ممانعت می‌کنند را با کسانی که در راه او جهاد می‌کنند، برابر ندانسته و به مجاهدان حقیقی اجر بزرگی عطا می‌کند؛ اما از این مطلب نباید غافل بود که در هر جنگی گروهی از مبارزان کشته می‌شوند و گروهی دیگر زنده باقی می‌مانند، لذا باید گفت که همه این امور، از مقدرات خداوند متعال است که چه کسانی را به درجه رفیع شهادت برساند و چه کسانی را زنده باقی گذارد. خداوند در آیه ۱۵۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «... يَقُولُونَ لَوْ كَان لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَيَبْتَلِي اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ...» خداوند خطاب به کسانی که در پیروز بودن اسلام در دل شک و تردید دارند و می‌گویند اگر پیروزی از آن اسلام است، اینجا کشته نمی‌شدیم می‌فرماید: اگر شما در خانه‌های خود می‌ماندید، کسانی را که خداوند برای آنان شهادت را مقدر نموده به سوی محل شهادت خودشان رهسپار می‌شدند؛ اما همه این امور برای امتحان شما است. (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱/۳۹۳)

خداوند در این آیه، شهادت را نصیب افرادی می‌کند که ایمان راستین به خدا دارند. آیه فوق دلالت دارد بر اینکه همه افرادی که در میدان جنگ حاضر می‌شوند خداوند شهادت را نصیب آنان نمی‌کند؛ زیرا همه این افراد ایمان راستین برای رسیدن به شهادت را ندارند و باید گفت اجر عظیمی که در آیه قبل خداوند برای مجاهدان قرار داده است، برای کسانی است که در راه خدا در میدان جنگ حاضر شدند.

در نتیجه، شهادت‌طلبی هدف والایی دارد که برای اعتلای کلمه الله صورت می‌پذیرد و انسان در دفاع از حق، جان و مال خود را در راه خدا می‌بخشد، در این صورت خداوند کسانی را که ایمان واقعی به این حقیقت دارند، شهادت را نصیبشان می‌کند و گروهی را در انتظار شهادت قرار می‌دهد؛ همانگونه که خداوند می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا

عَاهِدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (الاحزاب، ۲۳)^۱

در آیه فوق، خداوند متعال به دو گروه اشاره دارد، دسته اول در عهدی که با خداوند و رسولش برای دفاع از دین بستند، استوار ماندند و تا پای فدای جان خود ایستادند و پیمان خودشان را با شهادت به پایان رساندند. گروه دوم مؤمنانی هستند که به عهد خود پایبند می‌باشند و برای صداقت ادعای خود، منتظر شهادت می‌مانند و اینان همان مصداق این فرموده خداوند هستند که در آیه‌ای دیگر در همین سوره به آنان اشاره می‌کند:

«وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤُولُونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا» (الاحزاب، ۱۵)^۲

بدین سبب باید گفت: شهادت، وفا به پیمان الهی است و شهادت طلبی انتظار برای وفای به عهد با خداوند است. در جای دیگر خداوند می‌فرماید:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» (البقره، ۲۰۷)^۳

خداوند در این آیه، مؤمنانی که جان خود را برای جلب رضای خداوند فدا می‌کنند، ستایش می‌کند. با نگاه به سبب نزول این آیه بزرگترین مفهوم شهادت‌طلبی در تاریخ اسلام، مشاهده می‌شود. امیر المؤمنین علی علیه السلام در آیه اشاره شده، بدون هیچ تردیدی، در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوابد، با علم به آنکه می‌داند دشمنان قصد جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را داشته‌اند. او برای حفظ جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در جای او می‌خوابد. (فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱/۲۴۱؛ طبرسی، ۲/۵۳۶؛ بلاغی نجفی، ۱/۱۸۴؛ بحرانی، ۱/۴۴۲)

آیه مورد نظر (البقره، ۲۰۷) در منابع اهل سنت نیز در شأن حضرت علی علیه السلام درباره جانفشانی ایشان در جهت حفظ حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است. (اسفراینی، ۱/۲۱۸؛ حسکانی، ۱/۱۲۳؛ اندلسی، ۲/۳۳۴؛ قرطبی، ۳/۲۱؛ جزری، ۱/۸۷۷؛ حاکم، ۳/۵)

۱. احزاب ۲۳. از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند [و آن ثبات قدم و دفاع از حق تا تشار جان بود] صادقانه وفا کردند، برخی از آنان پیمانشان را به انجام رساندند [و به شرف شهادت نایل شدند] و برخی از آنان [شهادت را] انتظار می‌برند و هیچ تغییر و تبدیلی [در پیمانشان] نداده‌اند.

۲. احزاب ۱۵. و همانا آنان از پیش با خدا پیمان بسته بودند که [به دشمن] پشت نکنند؛ و پیمان خدا همواره بازخواست شدنی است.

۳. بقره ۲۰۷. و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می‌فروشد و خدا به بندگان مهربان است.

در آیات دیگر قرآن کریم، همانند آیه ۱۲ سوره الصف «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و آیه ۱۱۱ سوره التوبه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»، خداوند مؤمنان را به داشتن روحیه شهادت طلبی و جهاد با مال در راه خدا تشویق و ترغیب می‌نماید و شهادت و جهاد را تجارت با خداوند اعلان نموده است که در این تجارت، انسان دنیای فانی خود را با حیات جاویدان بهشتی معامله می‌کند. در نتیجه باید گفت آیات اشاره شده در قسمت فوق، انسان را به داشتن روحیه شهادت طلبی دعوت می‌نماید و با قرار دادن اجر بهشت جاویدان برای شهدای اسلام، مسلمانان را به شهادت طلبی دعوت می‌نماید. پس داشتن روحیه شهادت طلبی و آرزوی شهادت از امور مطلوبی بشمار می‌آید که نتیجه آن سعادت ابدی خواهد بود.

شهادت طلبی در روایات

شهید مقام والایی دارد و همانگونه که در روایات آمده است، از شهادت در راه خدا به عنوان بالاترین نیکی‌ها تعبیر شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود: بالاتر از هر عمل نیکی، عمل نیک دیگری وجود دارد، تا اینکه مرد در راه خدا کشته شود، هنگامی که در راه خدا کشته شد، دیگر بالاتر از آن عمل، کار نیک دیگری وجود ندارد. (کلینی، ۵/۵۳)

برای رسیدن به چنین درجه‌ای انسان باید کوششش نماید تا مرگ همراه شهادت را خداوند نصیب او نماید. شرط اساسی در رسیدن به درجه شهادت، اخلاص در عمل می‌باشد؛ یعنی اینکه انسان تا قلباً مشتاق شهادت نباشد، خداوند او را به مقام شهادت نمی‌رساند. در حدیثی دیگر، رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس از خداوند، شهادت را با نیت صادق طلب نماید، خداوند جایگاه شهداء را به او خواهد داد حتی اگر در بستر خود جان

دهد. (مجلسی، ۱۰۳/۸) پس در رسیدن به درجه شهادت، درخواست خالصانه آن لازم است؛ همچنین انسان به خلوص نیت نمی‌رسد مگر اینکه در تمام اعمال خود خالص درگاه الهی باشد.

در داستان ملاقات حارثة بن مالک بن نعمان با پیامبر اکرم ﷺ می‌خوانیم، زمانی که رسول خدا ﷺ احوال او را جویا می‌شود، حارثة در پاسخ، در مورد حقیقت ایمان خود با پیامبر اکرم ﷺ سخن می‌گوید، پیامبر اکرم در پاسخ سخنان او فرمود: بنده‌ای (منظور، حارثة بن مالک) خداوند قلب او را به ایمان منور گردانید و در این ایمان ثابت قدم ماند، در آخر حارثة از پیامبر اکرم درخواست می‌کند که خداوند شهادت را روزی او گرداند... بعد از چند صباحی، رسول خدا حارثة را به سرپه‌ای فرستادند و در مبارزه با دشمنان اسلام به فیض شهادت نائل گشت. (برقی، ۲۴۶/۱، ۲۴۷)

بنابراین، رسیدن به مقام شهادت ایمان واقعی را می‌طلبد. کسی شهادت طلب واقعی است که ایمان راستین به مبانی توحید داشته باشد. پس شهادت طلبی امری پسندیده است که در آیات و روایات خداوند و حضرات معصومین علیهم‌السلام به آن سفارش شده و لذا نمی‌توان شهادت را مصداقی از خودکشی دانست.

حرمت خودکشی در قرآن کریم

حکم قتل از احکام مهمی می‌باشد که تحریم آن در قرآن آمده است. حکم قتل نفس در چندین آیه ذکر شده است که همانند قتل غیر، حرام می‌باشد. خداوند متعال در آیه ۲۹ از سوره النساء به صراحت تحریم قتل نفس را بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا». قرآن کریم در چند آیه دیگر نیز با عبارت «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله ألا بالحق» (الانعام، ۱۵۱؛ الاسراء، ۳۳؛ الفرقان، ۶۸) حرمت قتل نفس را به صورت عام بیان می‌کند. در این عبارت نفس بر همه نفوس دلالت می‌کند و بر روحی که سبب زنده بودن جسم

می‌باشد، اطلاق می‌گردد. (ابن عاشور، ۳۰۳)

در آیه ۲۹ سوره النساء، خداوند متعال با عبارت «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» به صراحت خودکشی را حرام می‌داند، این عبارت وجه دیگری نیز دارد و آن این است که اگر شخصی، فرد دیگری را بکشد، موجب قتل خودش با آن کار شده است. در تفسیر آیه یاد شده آمده که نه تنها در خصوص قتل خود، یعنی خودکشی می‌باشد؛ بلکه قتل غیر را نیز در بر دارد زیرا همه آنان از یک نفس هستند. (اندلسی، ۳۵۷/۳)

در عبارت بعد یعنی «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» به این مسئله اشاره دارد که خداوند انسان را از خودکشی باز می‌دارد، و این خود دلیلی بر لطف و مهربانی او بر بندگانش است زیرا خداوند در این آیه می‌خواهد به انسان بفهماند که نه تنها راضی نیست کسی انسان دیگری را بکشد، بلکه به خود انسان اجازه نمی‌دهد به خود آزار برساند. (مکارم شیرازی، ۳۵۷/۳)

خداوند انسان و زندگانی او را در مقام والایی قرار داده است؛ چرا که خداوند انسان را از هرگونه خطری که حیات او را تهدید می‌کند باز می‌دارد و باری تعالی انسان را حتی از جنگ با کسی که قدرت و توان مبارزه با آن را ندارد، نهی می‌کند؛ (تفسیر جوامع الجامع، ۲۵۱/۱) زیرا زمانی که مسلمانان بر دشمنان خود در مغارات وارد می‌شدند و دشمن بر آنان چیره می‌شد و آنان را می‌کشت، خداوند آنان را از این عمل نهی کرد. (فیض کاشانی، الاصفی فی تفسیر قرآن، ۲۰۵/۱).

حاصل سخن اینکه بیشتر مفسران عبارت «لا تقتلوا انفسکم» را به معنای حرمت قتل نفس (خودکشی) می‌دانند. (طبرسی، ۶۰/۳؛ قمی، ۱۳۶/۱؛ حسینی جرجانی، ۱۳۵/۲؛ بلاغی نجفی، ۹۸/۲؛ صادقی تهرانی، ۸۳/۲؛ اندلسی، ۶۱۲/۳)

گفتنی است عبارت «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله ألا بالحق» در سه سوره قرآن کریم نیز ذکر شده است. (الانعام، ۱۵۱؛ الاسراء، ۳۳؛ الفرقان، ۶۸) و همانگونه که قبلا اشاره شد، نفس در آیات مورد نظر، عام می‌باشد و (ابن ابی حاتم، ۲۵۱/۵) دربردارنده همه نفوس می‌شود؛ در نتیجه بر نفس خود انسان و دیگران افراد نیز دلالت می‌کند. خداوند در عبارت

فوق، قتل هر نفسی را حرام کرده است زیرا زندگی را امانتی در دست صاحبش می‌داند و بر انسان جایز نیست که خودکشی کند، خداوند انسان را در این امر آزاد نگذاشته است. با حکم حرمت قتل نفس، زندگی با امنیت و اطمینان جریان می‌یابد؛ و به همین دلیل، عقوبت قتل عمد که خیانت در امانت حیات می‌باشد، جاودانگی در آتش جهنم است. (فضل الله، ۳۷۳/۹)

پس باید گفت در قرآن کریم در چهار آیه، حکم قتل نفس و خودکشی را بیان می‌کند و در این میان آیه ۲۹ سوره النساء با عبارت «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» به صراحت حکم خودکشی را تحریم می‌کند و آیات دیگر بطور عام که شامل همه انواع قتل می‌باشد، یعنی خودکشی و قتل دیگران را حرام می‌دانند.

قتل نفس (خودکشی) در روایات

خودکشی از بزرگترین گناهانی است که انسان انجام می‌دهد؛ چرا که جزای آن جاودانگی در جهنم می‌باشد. در روایت است «هرکس به عمد خود را بکشد، پس او در آتش جهنم جاودان است». (صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۲۷۶؛ همان، من لا یحضره الفقیه، ۲۰۲/۴؛ طوسی، ۲۰۷/۹؛ فیض کاشانی، ۵۶۸/۱۶)^۱ همچنین «اگر کسی بطور عمد خود را به قتل برساند یا جراحی را در خود وارد کند سپس وصیت کند و به سبب آن جراحتمیرد، وصیت او در ثلث مالش صحیح نمی‌باشد». (صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۲۷۶؛ من لا یحضره الفقیه، ۲۰۳/۴؛ عاملی، ۳۷۸/۱۹) در روایتی دیگر، این موضوع درباره کسی است که خودکشی می‌کند و لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر جنازه او نماز نمی‌خواند. (ثعلبی، ۲۹۳/۳)

نفس انسان آن چنان مقامی دارد که حتی گناه کردن در شمار قتل آن محسوب می‌شود. در حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌خوانیم: «نفس انسان بر گناه کردن سرشته شده است

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَائِلٍ الْحَنَاطِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا.

و انسان مأمور است که نفسش را به حسن خلق عادت دهد، نفس انسان بر مخالفت خود اصرار دارد و انسان سعی بر عدم پذیرش آن درخواست‌ها می‌کند و هر زمان این نفس سرکش را آزاد کرد؛ پس انسان در فساد نفس خویش شریک است و هرکس نفس خود را بر پیروی از هوای نفس یاری کند، در قتل نفس خود شریک شده است». (نوری، ۱۳۸/۱۱)

بر اساس این روایات جاودانگی در آتش دوزخ، فرجام خودکشی محسوب می‌شود و نیز اعمال نیک انسان در اثر خودکشی از بین می‌رود.

شرح احوال اتان کلبرگ

اتان کلبرگ در سال ۱۹۴۳ در تل آویو متولد شد، پدر او دکتر یوشع کلبرگ (۱۹۹۹-۱۹۰۹م) از فعالان صهیونیستی و مادر او دکتر ارما کلبرگ (۲۰۰۲-۱۹۰۹م) یهودی می‌باشد. خانواده وی اروگایی تباری بودند که در سال ۱۹۳۷ ساکن فلسطین اشغالی شدند و از مناطقی که بعد از جنگ جهانی دوم تحت فرمان آلمان و اکراین بوده است به فلسطین اشغالی کوچ نموده‌اند. همین موضوع سبب شد تا یادگیری زبان‌های مختلف برای کلبرگ آسان گردد.

اتان کلبرگ در کشورهای زیادی اقامت کرد و نزد اساتید زیادی نیز شاگردی نمود. او بعد از پایان خدمت سربازی به دانشگاه عبری پیوست و در سال ۱۹۶۶م مقطع کارشناسی خود را به اتمام رساند. وی بعد از دو سال مدرک کارشناسی خود را اخذ نمود و دو سال بعد از آن مدرک کارشناسی ارشد خود را با دفاع از پایان‌نامه در موضوع «اهل سنت و شیعه حول خلیفه اول ابوبکر» دریافت کرد. از سال ۱۹۶۹ م تا ۱۹۷۱ م در دانشگاه آکسفورد ادامه تحصیل نمود و مدرک دکتری را با دفاع از رساله‌ای با موضوع «آراء شیعه امامیه درباره صحابه» کسب کرد. او سپس در سال ۱۹۷۲ م در دانشگاه عبری به تدریس مشغول شد و سال ۱۹۹۱م به درجه پرفسوری نایل شد.

فعالیت‌های پژوهشی او اغلب درباره تفکر اسلامی و تعالیم دینی در قرون میانی اسلامی است و متمرکز بر اسلام شیعی می‌باشد، بطوریکه مقالات زیادی را درباره اصول

اعتقادی شیعه تألیف نموده است. او اهمیت ویژه‌ای به فرهنگ شیعه قائل است بویژه در خصوص آنچه به حدیث و سنت تعلق دارد و آنچه را که به مسائل روز، میان تشیع و دیگر مسلمانان مرتبط است. مسئله شهادت در اسلام از موضوعاتی است که در آثار اتان کلبرگ مشاهده می‌شود. عناوین و موضوعات مقالات کلبرگ با موضوع شهادت در اسلام به ترتیب ذیل است:

(Amir-Moezzi & Bar-Asher & Hopkins, 11-29)

شهید ۱۹۹۵م^۱.

دیدگاه مسلمانان قرون وسطی در مورد شهادت ۱۹۹۷^۲

تصور پیامبر محمد به عنوان شهید ۲۰۰۵^۳

شهید: چارچوبی در مورد شهادت اسلامی سال ۲۰۰۶^۴

دیدگاه اتان کلبرگ در باب شهادت در اسلام

اتان کلبرگ در مقاله «دیدگاه‌های مسلمانان قرون وسطا در مورد شهادت» به پژوهش در موضوع شهادت طلبی در اسلام پرداخته و آن را نوعی خودکشی می‌داند. او در بخش‌های «شهادت در میدان جنگ» و «شهادت و خودکشی» به ذکر آیاتی از قرآن و روایات تاریخی می‌پردازد که در مجموع این آیات و روایات، نظریات خود را درباره شهادت مسلمانان و ارتباط آن با خودکشی، ارائه می‌دهد که ذیلا به آن اشاره می‌شود:

۱- شهادت عوف بن حارث: روایتی از جنگ احد، در مورد صحابه‌ای به نام عوف بن حارث است. ایشان در حالی که زرهی در تن داشت از پیامبر اکرم ﷺ، سؤال می‌کند که چه کاری سبب خشنودی و رضای خداوند از بنده‌اش می‌شود؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: اینک بدون زره وارد نبرد شوی، موجب خشنودی و رضای خداوند خواهد شد. عوف زرهی را که بر تن داشت بیرون آورد و به کناری می‌اندازد و آنقدر جهاد می‌کند تا شهید

1. SHAHID 1997.
2. Medieval Muslim Views on Martyrdom 1997.
3. The image of the prophet Muhammad as a shahid 2005.
4. Shahid: a framework on Islamic martyrdom 2006.

شود. (Kohlberg, 7)

۲- جنگ پل: جنگی در نزدیکی فرات که به نبرد پل (الجسر) معروف است (در سال ۱۳ هجری / ۶۳۵-۶۳۴)، تعدادی از جنگجویان مسلمان به فیل‌های ایرانیان حمله کردند و تا حد مرگ زیر وزن سنگین این حیوانات له شدند.

۳- شهادت عبدالله بن رواحه: کلبرگ صراحتاً شهادت‌طلبی مسلمانان را به معنای «آرزوی مرگ» می‌داند. او درباره شهادت عبدالله بن رواحه می‌نویسد «این رواحه پس از دو فرمانده قبلی لشکر یعنی جعفر طیار و زید بن حارث که در نبرد شهید شدند، فرماندهی نیروهای مسلمان را به دست گرفت. بسیاری از اسناد او را به گونه‌ای توصیف کرده‌اند که مانند سایر فرماندهان به همان شیوه به دنبال مرگ خود (شهادت) و در آرزوی دیدن آن بوده است.» (Ibid, 8)

۴- تعریف طلب شهادت: کلبرگ شهادت‌طلبی مسلمانان را اینگونه بیان می‌کند که جنگجویان نه تنها مایل به رها کردن زندگی خود هستند بلکه دائماً به دنبال فرصتی برای انجام آن می‌باشند و این یک نوع رفتار معروف به «طلب شهادت» است. (Ibid, 9)

۵- جواز خودکشی به استناد قیام توأبین: اتان کلبرگ بر این باور است که برای به دست آوردن حکم خودکشی باید به قرآن رجوع کرد، واضح است که او می‌داند در نزد مسلمانان، قرآن محکم‌ترین سند در احکام و اعتقادات است. در پی یافتن حکم خودکشی او تنها به دو آیه ۵۴ و ۱۹۵ سوره بقره استناد کرده است. کلبرگ معتقد است آیه ۵۴ سوره بقره «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنِّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ فَتُوبُوا إِلَيَّ يَا رَبِّكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَٰ رَبِّكُمْ فَتَابَ عَلَيَّكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»، در حکم جواز خودکشی در اسلام ماست. وی می‌گوید: عبارت «فاقتلوا أنفسكم» در آیه، عبارتی مبهم می‌باشد و گاهی اوقات سندی است که نشان می‌دهد، در شرایطی خاص خودکشی جایز است. در حالی که اتان کلبرگ تفسیر این آیه را در کتب تفسیری مطالعه کرده و آن را به معنای کشتن یکدیگر مشاهده کرده است؛ اما او کتب تفسیری را رها کرده و به داستانی از

قیام توابین در کتاب تاریخ طبری، استناد می‌کند و مدعی است که توابین که به دلیل تنها گذاشتن حسین علیه السلام در کربلا خود را سرزنش می‌کردند، از فهم این آیه برای استناد به خودکشی آگاه بودند. (Ibid, 27)

۶- ارتباط خودکشی با عبارت «لا تلقوا بأیدیکم الی التهلکة»: کلبرگ در ارتباط آیه ۱۹۵ سوره بقره چنین دیدگاهی را مطرح می‌نماید؛ آیا عبارت «لا تلقوا بأیدیکم الی التهلکة» به خودکشی اشاره دارد؟ او با مراجعه به تفسیر طبری، ادعا دارد که مسلمانان با تأویل و تفسیر خود این عبارت را در موقعیت خاص به خودکشی نسبت داده‌اند (Ibid, 28)

۷- اتان کلبرگ در اینکه آیا جایز است یک جنگجو به تنهایی به نیروی عظیم دشمن حمله‌ور شود؟ با آوردن نظریات از علمای متقدم از مذهب مالکی و حنفی در پاسخ به سؤال فوق‌الذکر، به این نتیجه می‌رسد که علمای متقدم اسلام محدودیت‌های کمتری را در رسیدن به شهادت قائل بودند و لذا نویسندگان معاصر، جهت دفاع از عملیات انتحاری، آنها را با مبارزات مسلمانان صدر اسلام مقایسه کرده و مدعی‌اند چون هدف بمب‌گذار شهادت است و احتمال دارد به دشمن صدمه زند، در نتیجه کار او مجاز است و خودکشی نمی‌باشد. کلبرگ در ادامه می‌گوید: این نویسندگان مدعی هستند که اگر مسلمانان زمان پیامبر اکرم بمبها و مواد منفجره امروزی را در اختیار داشتند، عملیات انتحاری امروزی را انجام می‌دادند. کلبرگ در آخر چنین می‌افزاید: تمام متونی که برای تأیید چنین بحثهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد از منابع کلاسیک اقتباس شده‌اند و شامل روایت‌هایی هستند که در این مقاله (مقصود مقاله کلبرگ) به آن اشاره شده است. (Ibid, 31)

نقد و تحلیل منابع مورد استناد اتان کلبرگ

در این قسمت، به بررسی دیدگاه‌های اتان کلبرگ از منابع مورد استناد او در ارتباط با شهادت‌طلبی در اسلام که در بخش پیشین آمده است؛ خواهیم پرداخت.

۱- نقد و بررسی روایت مربوط به شهادت عوف بن حارث: گفتنی است روایتی را که

اتان کلبرگ در جریان شهادت عوف بن حارث در جنگ احد که زره خود را از تن در آورد و بدون زره جنگید تا شهید شد، به آن استناد نموده است، از دو کتاب تاریخ طبری و سیره ابن هشام می‌باشد. ابن ابی شیبه در کتاب المصنّف خود این روایت را جزء احادیث زوائد می‌داند. (ابن ابی شیبه، ۵۴/۷) ذیلا این روایت را مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

الف- روایت مورد نظر در کتب صحاح سته ذکر نشده است و لذا ابن ابی شیبه آن را از احادیث زوائد دانسته است.

ب- به دلیل تدلیس ابن اسحاق، حدیث ضعیف شمرده شده است.

ج- گوینده حدیث در متن مورد استناد اتان کلبرگ و مقاله او، عوف بن حارث، معروف به ابن عفرأ می‌باشد؛ اما در کتاب المصنّف، گوینده حدیث معاذ بن حارث که همان برادر عوف بن حارث است، می‌باشد. (ذهبی، ۱۸/۱) همچنین در تاریخ وفات یا شهادت او اقوالی وجود دارد مبنی بر اینکه ابن عفرأ دوران خلافت امام علی علیه السلام را درک کرده است و گفته شده بعد از آن نیز زنده بوده است؛ و نیز قول دیگری وجود دارد که وی در زمان رسول خدا شهید شده است. (زیر، ۴۵۷-۴۵۶) لذا حدیثی که ضعیف است و متن آن نیز به دلیل مبهم بودن شخصیت عوف بن حارث، نمی‌تواند استناد متقنی برای پژوهش قرار گیرد.

د- حدیث عوف بن حارث به عنوان سندی بر چگونگی شهادت مسلمانان، روایتی است که تنها به دو کتاب تاریخ طبری و سیره ابن هشام ارجاع داده شده است. چنانچه کتب تاریخی از هر مؤلفی باشد، سرشار از نقل و قول‌هایی می‌باشد که احتمال اشتباه در آن زیاد است؛ به دلیل آنکه مورخ در همه زمانها نزیسته و نمی‌توانسته شاهد تمامی وقایع تاریخی باشد. طبری در مقدمه کتابش می‌گوید: روایات و استندهایی را که در کتاب خود آورده است، همه حاصل نقل قول‌هایی است که از دیگران شنیده و او آن را بدون کم و کاست نوشته است و فقط در معدود روایاتی که تعداد آنان بسیار اندک است، توانسته صحت آنها را دریابد؛ اما در غالب روایات، نتوانسته در آن استنباطی از صحت روایات داشته باشد؛ زیرا معمولا اخبار تاریخی را کسانی نقل کرده‌اند که در آن زمانها نمی‌زیسته‌اند و تنها از

دیگران نقل نموده‌اند. طبری در انتها می‌گوید: متن برخی از احادیثی را که در کتاب خودم آورده‌ام برای خواننده و شنونده ناخوشایند هستند به دلیل آنکه از حقیقت و واقعیت بدور هستند. (طبری، تاریخ طبری تاریخ الرسل و الملوك، ۲۵/۱)

بنابراین، احادیثی را که به‌عنوان حجتی در تبیین دیدگاهی استفاده می‌شوند باید صحت آن در کتب و منابع معتبر سنجیده شود، لذا آنچه را که اتان کلبرگ در روایت عوف بن حارث به آن استناد می‌کند که به دستور پیامبر اکرم ﷺ، عوف زره خود را از تن بیرون می‌آورد تا بجنگد، هر خواننده‌ای را به تأمل وادار می‌دارد که چگونه خداوند از جنگیدن بدون زره خرسند می‌شود! در صورتی که در قرآن کریم، می‌فرماید: «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ». (النساء، ۸۴) پس با این وجود، نقل چنین روایاتی در مفهوم دفاع و آمادگی برای مقابله با دشمن، جایگاهی نخواهد داشت. هنگامی که متن حدیث تأمل برانگیز می‌شود، ناگزیر باید در صحت حدیث دقت نمود؛ همانگونه که ضعف حدیث مذکور بیان گردید، اما متأسفانه کلبرگ در مقاله‌اش در جستجو از صحت احادیث مورد استنادش کوتاهی نموده است.

۲- نقد و بررسی روایت مربوط به جنگ پل: با مراجعه به منبعی که کلبرگ در نقل روایت به آن استناد نموده است، چنین بدست می‌آید که مسلمانان برای غلبه بر دشمن مجبور شدند کمربندهایی که کجاوه فیل‌ها را با بسته بودند، ببرند؛ زیرا گروه مقابل مسلمانان (ایرانیان) سوار بر روی فیل‌ها بودند و مسلمانان دسترسی به آنان نداشتند لذا برای برانداختن افراد سواره، مسلمانان به سوی فیل‌ها روانه شدند و کمربندها را بردند. در این صورت زخمی شدن یکی از فیل‌ها و حمله‌ور شدن فیل به سمت مسلمانان، امری کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. همچنین کمک دیگران برای رهایی شخصی که فیل به آن حمله کرده بود، به منزله جنگیدن با فیل نمی‌باشد. (طبری، تاریخ الرسل و الملوك، ۴۵۶/۳-۴۵۷) اما کلبرگ در بیان این حادثه می‌گوید: مسلمانان با فیل‌ها جنگیدند، این درحالی است که با مراجعه به متن مورد استناد کلبرگ، معلوم می‌شود که مسلمانان مستقیماً با

فیل‌ها مبارزه‌ای نکرده‌اند. پس در آن جنگ، هیچ یک از مسلمانان برای رهایی از زندگی خود و رسیدن به مرگ با هدف خودکشی به فیل‌ها حمله نکرده بودند و برداشت کلبرگ از این روایت تاریخی نادرست است.

۳- نقد و بررسی روایت شهادت عبدالله بن رواحه: اتان کلبرگ در بخش مربوط به فرماندهی سپاه مسلمانان توسط عبدالله بن رواحه در جنگ مؤته، ابتدا از فرماندهی ابن رواحه و شهادت‌طلبی او سخن می‌گوید و آن را استنادی برای سایر فرماندهان اسلام بر می‌شمرد و شهادت‌طلبی آنان را نوعی خودکشی و در جستجوی مرگ بودن، جلوه می‌دهد؛ اما در ادامه مطلب، کلبرگ به ترس و عقب‌نشینی عبدالله بن رواحه در جنگ تأکید دارد. همانگونه که مشاهده می‌شود، در این قسمت تعارض در نوشتار کلبرگ کاملاً واضح است زیرا کسی که همواره به دنبال مرگ خود بوده، چگونه از حمله به دشمن صرف‌نظر نموده و جنگ را رها می‌کند؟

۴- نقد و بررسی تعریف اتان کلبرگ از شهادت‌طلبی: تعریفی که کلبرگ از شهادت‌طلبی می‌کند با هدف شهادت‌طلبی مسلمانان کاملاً مغایر است، چرا که کلبرگ در برداشت‌های نادرستی که از مستندات منابع اسلامی در خصوص شهادت مسلمانان داشته، به ارائه چنین تعریفی از شهادت‌طلبی رسیده است.

۵- نقد و بررسی جواز خودکشی به استناد قیام توابین: در روایتی که تاریخ طبری از قیام توابین نقل می‌کند و همین روایت مورد استناد کلبرگ قرار گرفته است، مشاهده می‌شود که توابین خود را به دلیل یاری نکردن امام حسین علیه السلام در روز عاشورا گناهکار می‌دانستند و از این رو، سلیمان بن سرد را به رهبری برگزیدند. در این روایت، سلیمان در خطاب به جمع حاضر، آیه ۵۴ از سوره بقره را می‌خواند و از جمع حاضر می‌خواهد که از جریان بنی اسرائیل در آیه مذکور عبرت گرفته و از بنی اسرائیل برتر باشند و در انتها هم از یارانش می‌خواهد که برای مقابله با قاتلین امام حسین علیه السلام خود را آماده و مهیا سازند (همان، ۵/۵۵۱). در طول تاریخ اسلام، هیچ مفسری از آیه ۵۴ سوره بقره دلیل و حکمی

بر جواز خودکشی استنباط ننموده‌اند و عدم توجه اتان کلبرگ به اقوال و دیدگاه مفسران ذیل آیه ۵۴ سوره بقره شاهد دیگری بر نادرستی ادعای او می‌باشد. بدون تردید، فهم آیات قرآن کریم منوط به تدبر در آیات قرآن کریم و مراجعه به کتب تفسیری معتبر است و لذا در پژوهش‌های قرآنی استناد به کتب معتبر تفسیری برای فهم بهتر عبارات قرآنی کاملاً طبیعی است اما رد قول مفسران در خصوص مفهوم یک عبارت قرآنی و رجوع به روایتی در کتب تاریخی، از هیچ محقق پذیرفته نخواهد بود؛ این درحالی است که اتان کلبرگ مفهوم عبارت قرآنی «فقاتلوا انفسکم» در آیه ۵۴ سوره بقره، که طبق دیدگاه و نظر مفسران به معنای «کشتن یکدیگر» می‌باشد را رد نموده و به روایتی در کتب تاریخی استناد نموده است. کلبرگ همچنین مدعی است که حکم شرعی خودکشی را باید از قرآن استخراج نمود، اما وی تنها به دو آیه از قرآن استناد می‌کند که قطعاً هیچ دلالتی در استنباط حکم واقعی خودکشی ندارند. گفتنی است در بخش قتل نفس در قرآن، آیاتی را که علی‌الظاهر به بیان حکم خودکشی در قرآن آمده، تبیین شده‌اند.

۶- نقد و بررسی ارتباط خودکشی با عبارت «لا تلقوا بأیدیکم الی التهلکة»: در خصوص جریان جنگ قسطنطنیه که در ذیل عبارت مذکور (آیه ۱۹۵ سوره بقره) آمده است و کلبرگ به آن استناد می‌کند، برداشت مسلمانان از این آیه با رفتار آن شخص که به سوی دشمنان حمله کرده بود، ارتباطی با خودکشی نخواهد داشت، زیرا هدف آن شخص از حمله به سوی دشمن به تنهایی، برای کشتن خود نبوده بلکه هدف ترساندن دشمن و تشویق مسلمانان بوده است و همچنانکه مشاهده می‌شود آن شخص به سوی مسلمانان باز می‌گردد. اگر هدف او خودکشی بود در میان دشمنان می‌ماند و مبارزه می‌کرد تا کشته شود و آنچه که در مورد جنگ قسطنطنیه در این تفسیر یاد شده، به معنای ترک جهاد می‌باشد. (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۲/۱۱۶-۱۱۹).

۷- نقد و بررسی گفتار مربوط به جواز حمله یک جنگجو به تنهایی به لشکر دشمن. در پاسخ به این گفتار که علمای متقدم حمله یک جنگجو به تنهایی به سوی لشکر دشمن

با هدف صدمه زدن و مبارزه با دشمن را جایز دانسته‌اند، باید بگوییم ورود مجاهدان در میان صفوف دشمن به معنای انتحار نمی‌باشد و چه بسا که شخص مجاهد وارد میدان جنگ شده و با کشتن تعدادی از دشمنان اسلام به مسلمانان ملحق بشود، لذا هدف او کشتن خود نبوده، و این درحالی است که در عملیات انتحاری شخص در ابتدا سبب قتل خود می‌شود و چه بسا موجب صدمه زدن به دشمن هم نشود. مسلمانان واقعی در هیچ یک از جنگهای اسلام خود را بدست خود نکشته‌اند. خداوند متعال در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران به کسانی وعده بهشت می‌دهد که در ابتدا در راه او بجنگند و سپس کشته شوند.

نتایج مقاله

اتان کلبرگ در پژوهش‌های خود در مورد مفهوم شهادت در اسلام مدعی است که عملیات انتحاری امروزی برگرفته از شهادت‌طلبی مسلمانان صدر اسلام است و با مفهوم شهادت در قرآن منافات دارد. با توجه به تحلیل و بررسی‌هایی که بر مستندات اتان کلبرگ انجام شد، نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱- استنباط و استنتاج از روایات شهادت در کتب تاریخی که صحت احادیث آنها از لحاظ متنی و از جهت سندی قابل پذیرش نیست نمی‌تواند مؤید دیدگاه محقق و مورد استناد وی در پژوهش قرار بگیرد.

۲- برداشت نادرست اتان کلبرگ از مفهوم شهادت‌طلبی در اسلام با استناد به ماجرای جنگ پل و ارجاع به روایت ضعیف عوف بن حارث، دلیل متقنی بر نادرستی تعریف شهادت‌طلبی در اسلام از نظر اتان کلبرگ می‌باشد.

۳- گرچه اتان کلبرگ قرآن را اولین منبع صدور احکام اسلامی می‌داند اما او برای بیان مفهوم خودکشی و حکم آن، به آیات دیگری از قرآن که حکم خودکشی را بیان نمی‌کند، استناد نموده است. همچنانکه گفته شد ارجاع به کتب تفسیری جهت فهم آیات قرآن امری بدیهی است، اما کلبرگ در بیان ادله خود در خصوص جواز خودکشی در میان مسلمانان، به

آراء مفسران قرآن بی توجهی نموده و به کتب تاریخی رجوع می‌کنند و این خود نشان از ضعف پژوهش او و دلیلی بر تفسیر نادرست وی از حکم خودکشی در اسلام است.

۴- شهادت طلبی و خودکشی دو موضوع متفاوت از یکدیگر هستند. در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، سعادت مندی در بهشت ابدی، به عنوان عاقبت شهداء وعده داده شده است و سزای خودکشی، جاودانگی در دوزخ عنوان شده است؛ پس این دو موضوع، به بیان صریح منابع اسلامی، تفاوت اساسی با یکدیگر دارند، در نتیجه نمی‌توان گفت شهادت طلبی، نوعی خودکشی است.

۵- مفهوم شهادت در اسلام از زمان حیات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا امروز با مفهوم قرآنی آن منطبق بوده و آنچه که امروزه به عنوان عملیات انتحاری انجام می‌گیرد، نمی‌تواند برگرفته از جنگهای صدر اسلام باشد زیرا هیچ یک از غزوه‌ها و سریه‌هایی را که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انجام داده است برای کشور گشایی نبوده و فقط به خاطر دفاع از دین صورت پذیرفته است. در نتیجه، دیدگاه اتان کلبرگ مبنی بر اینکه اگر مسلمانان زمان حیات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مواد منفجره امروزی را در اختیار داشتند، به شیوه عملیات انتحاری امروزی عمل می‌کردند، ادعایی باطل است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی البار، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، بیروت- لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۲۰۰۸م.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، تونس، دارالتونسیه للنشر، ۱۹۸۴ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۶. اسفراینی، ابومظفر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۷. اندلسی، ابوحيان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۸. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الإسلامیه - قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ق.
۱۰. بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۱. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربیه، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۲. جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت- لبنان، دار بن حزم، چاپ اول، ۱۴۳۳ق.
۱۳. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، انتشارات التابعه لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی - مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۴. حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۵. حسینی جرجانی، سید امیر، آیات الاحکام، تهران، انتشارات نوید، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۶. حسینی زبیدی، محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌بیت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۸. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان، تهذیب سیره اعلام النبلاء، لبنان، بیت الافکار الدولیه، ۲۰۰۴م.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، چاپ اول، دارالعلم الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۰. زبیر، محمد بن سعد بن صالح، زوائد المصنّف ابن ابی شیبّه علی الکتب السنّه من الاحادیث المرفوعه، عربستان سعودی، جامعه أم القرى، ۱۴۱۸ق.
۲۱. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۲. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات مؤلف، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالشریف الرضی للنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۴. همو، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

۲۷. همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۸. طبری محمد بن جریر، تاریخ طبری تاریخ الرسل و الملوك، قاهره، دارالمعارف مصر، چاپ دوم.
۲۹. همو، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۲. عسگری، رضا، خدری خان آبادی، عبدالرضا، صالحی، سید مهدی، حرمت خودکشی در قرآن و سنت و راه کارهای قرآنی برای پیشگیری آن، دو فصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته‌ای قرآن کریم، شماره اول، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۳۳. فضل‌الله، سیدمحمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۳۴. فیض کاشانی، ملّامحسن، الاصفی فی تفسیر قرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۳۵. همو، تفسیر صافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۶. همو، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۳۷. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، مکتبه لبنان، ۱۹۸۷م.
۳۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیه) - ۸ جلد، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴۲. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۳ش.
۴۳. مغنیه، محمدجواد، فقه امام الصادق، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۹ش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۴۵. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۴۶. النیسابوری، أبو عبدالله محمد بن عبدالله الحاکم، المستدرک علی الصحیحین، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
47. Kohlberg, Etan, Medieval Muslim Views on Martyrdom koninklijke nederlandse akademie van wetenschappen, mededelingenafdeling, letterkunde nieuwe reeks deel 6 0, Amsterdam, 1997.
48. Amir-Moezzi, Mohammad Ali, & Bar-Asher, Meir M. & Hopkins, Simon, Le Shi'isme imamate quarante ans apres homage a Etan Kohlberg, Brepols, 2009.

